
تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۲۵

احمد غیاثوند

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی - Ah.ghyasvand@gmail.com

چکیده

در جوامع جدید هویت جنسیتی زنان تحت تأثیر فضای بیرونی، روابط گروهی و متأثر از تجربه‌های زندگی در حال تغییر است. به لحاظ جامعه‌شناختی، نحوه تفکیک فضا انعکاسی از روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بوده و شاخص چگونگی و نحوه سازمان‌دهی اجتماع و مبنای شکل‌گیری هویت‌های جمعی است. شهرداری تهران از سال ۱۳۸۶ در صدد ساخت فضاهای شهری مدرن تحت عنوان «مجموعه شهربانو» بوده تا زنان شهر بتوانند به انجام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری بپردازند. مطالعه حاضر به بررسی تأثیر این فضاهای شهری بر بازاندیشی در هویت جنسیتی زنان می‌پردازد. این پژوهش به روش پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن را کلیه زنان مراجعه‌کننده به مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴ شهرداری تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، ۲۳۷ نفر برآورد شده و روش نمونه‌گیری نیز چندمرحله‌ای است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تحلیل عاملی سه بُعد هویت جنسیتی شامل «مدیریت بدن»، «نمایش جنسیت» و «احساس امنیت» از یکدیگر تشخیص داده شد که در این میان بیشترین میانگین مربوط به دو عامل نخست هستند؛ در واقع، ساخت و توسعه مجموعه‌های «شهربانو» از منظر کارکردی منجر به

۱. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان ارزیابی پیوست اجتماعی و فرهنگی پروژه مجموعه شهربانو می‌باشد که با حمایت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه هفت شهر تهران انجام پذیرفته است.

اجتماعی شدن جنسیتی، نمایش بهتر بدن و پوشش مدرن زنان می‌گردد. همچنین، داشتن احساس امنیت در این مراکز بازتاب فضای عمومی جامعه است. البته به لحاظ جامعه‌شناختی نباید از آثار و پیامدهای دامن زدن به ساخت و توسعه چنین فضاهای جنسیتی شده‌ای غافل بود؛ زیرا در آینده منجر به عمومی شدن فضاهای شهری مدرن خواهند شد. در واقع، کارکرد پنهان احداث و توسعه چنین فضاهایی را باید زمینه‌ای برای حضور زنان در جامعه دانست.

واژگان کلیدی

زنان، مجموعه «شهربانو»، بازاندیشی در هویت جنسیتی، مدیریت بدن، نمایش جنسیت.

۱. بیان مسئله

حدود نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند که به واسطه نقش‌های خانگی و اجتماعی خود سهم بسزایی در توسعه و تحولات جامعه بر عهده دارند. به عقیده بسیاری از کارشناسان و محققان، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و کمبود امکانات برای زنان در عرصه‌های عمومی باعث شده تا آنان نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و کمتر در فضاهای شهری حضور داشته باشند. بر این اساس، بررسی نیازها و خواست‌های آنان مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار گرفته است.

یکی از متداول‌ترین راه‌حلهایی که برای افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی به کار می‌رود، تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی است که تا حد زیادی زمینه را برای ورود آغازین زنان به عرصه و فضاهای عمومی شهری آماده کرده است. «بر این اساس، تفکیک جنسیتی گسترده در ایران باعث شده بعضی حوزه‌ها که ذاتاً عمومی‌اند، به لحاظ جنسیتی خصوصی شده و موجب گردیده زنان پایه‌پای مردان در حوزه‌های عمومی شهری حضور پیدا کنند. البته با وجود تمامی مزایا و معایب این اقدام، می‌توان گفت زنان جامعه در برخی از موارد از جداسازی‌های جنسیتی در فضاهای عمومی استقبال کرده و [آن را] راه‌چاره‌ای برای حضور در عرصه عمومی دانسته‌اند» (مدنی‌پور ۱۳۷۹، ۵۰). البته مسئله‌ای که در این رابطه مطرح می‌شود این است که با تفکیک جنسیتی ماهیت فضاهای عمومی تغییر کرده و در نهایت به فضایی نیمه عمومی - خصوصی تبدیل خواهد شد. در عین حال، ایده مخالفی

در این باره وجود دارد که مدعی است: «تفکیک جنسیتی خدمات عمومی نظیر زمین‌های بازی، ورزش، و ... سهولت بهره‌برداری از فضا را به‌ویژه برای زنان فراهم می‌کند. اما این اقدام مفهوم اجتماعی را از فضا سلب کرده و آن را از یک فضای اجتماعی به یک فضای کارکردی تنزل می‌دهد. تأسیس پارک‌های زنانه در همین چهارچوب قابل بررسی است. این‌گونه پارک‌ها تسهیلات خاصی را برای گذران اوقات فراغت در اختیار زنان قرار می‌دهند، لیکن نیازهای اجتماعی آنان را تأمین نمی‌کنند؛ لذا بهتر است به جای این تسهیلات امنیت عمومی افزایش داده شود و فضاهای مناسب و امن در عرصه‌های اجتماعی مختلف و بدون محدودیت در بهره‌برداری ایجاد شود» (تمدن ۱۳۸۷، ۲۳). «نکته جالب آن است که در تمام سفرنامه‌ها، در محافل و اماکن عمومی، مردها حاضر بوده و در صورت حضور زنان، جدایی فضاها نه با موقعیت طبقاتی، بلکه با اتکاء به جنسیت انجام می‌شد» (علیرضائزاد و سرایی ۱۳۸۵، ۱۴۶). محیط‌های زنان گرچه در برخی از فضاهای شهری مدرن تفکیک شده‌اند و مفهوم عمومی و اجتماعی از فضا سلب گردیده است، ولی این محیط‌ها به تدریج زمینه حضور زنان را در جامعه پدید می‌آورند و به نوبه خود کارکردهایی به همراه دارند. «گرچه در این میان اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی شده دارند، یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند، ولی مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی زنان در سطح جامعه رو به فزونی است» (همان).

به لحاظ جامعه‌شناختی نحوه تفکیک فضا و رابطه بین عرصه‌های عمومی و خصوصی، انعکاسی از روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بوده و شاخص چگونگی و نحوه سازمان‌دهی اجتماع است. از سوی دیگر، یکی از بحران‌های اساسی در جامعه شهری مدرن مسئله «هویت‌یابی جنسیتی زنان» تحت تأثیر استفاده از فضاهای اجتماعی است. در واقع، برداشت یا تعریفی که زنان از خود به عنوان یک زن دارند تحت تأثیر فرصت‌های اجتماعی حاصل از این تعامل اجتماعی با هم‌جنسان خود می‌باشد که موجبات تحول در هویت جنسیتی‌شان را فراهم می‌آورد؛ زیرا هویت جنسیتی زنانه دربرگیرنده مجموعه‌ای از معانی فرهنگی و اجتماعی نسبت به جنس مؤنث است که بر ساخته یک فضای اجتماعی است.

شهرداری تهران از سال ۱۳۸۶ در صدد ساخت فضاهای شهری مدرن تحت عنوان

«مجموعه شهربانو»^۱ بوده تا زنان شهر تهران به انجام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری پردازند. بر این اساس، احداث و گسترش مجموعه‌های شهربانو در دستور کار قرار گرفت. این مجموعه‌ها، به عنوان یکی از فضاهای اجتماعی در جوامع شهری مدرن، با بازنمایی الگوهای هنجاری و مکانی حاکم بر روابط زنان، نقش مهمی در زندگی روزمره زنان تهرانی ایفا کرده است. اصولاً حضور دختران و زنان در محیط خارج از خانه و تمایل آنها به سبک‌های جدید زندگی، فراغت، ورزش و ... نشان‌دهنده دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش مسائل هویتی جدیدی برای زنان و دختران است که به برساخت مناسبات و هنجارهای جنسیتی کمک می‌کنند. بر این اساس، در جوامع جدید هویت‌یابی جنسیتی تحت تأثیر فضای بیرونی و روابط گروهی و متأثر از تجربه‌های زندگی زنان در حال بازاندیشی است. بنابراین، می‌توان به طرح دقیق این سؤال پرداخت که جدایی مکانی و تک‌جنسی نمودن فضا در چه ابعادی منجر به بازاندیشی در هویت جنسیتی زنان می‌گردد؛ به عبارت دیگر، جدایی فیزیکی تا چه حدی زمینه جدایی روانی، نمادین و رفتاری آنها را فراهم می‌سازد؟

۲. ملاحظات نظری

هویت بر پایه نظر «گیدنز» عبارت است از: «خود شخص، آن گونه که خودش تعریف می‌کند». به نظر او هویت انسان در کنش با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند؛ لذا هیچ کس هویت ثابتی ندارد و هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و تغییر است (گیدنز ۱۳۷۸، ۲۴). در نظر «جرج هربرت مید»، «خود»^۲ معادل هویت بوده و دارای دو بُعد فاعلی (I) و مفعولی (Me) است. بُعد مفعولی، آن وجه از هویت است که درگیر جهان اجتماعی بوده و ماهیت بازتابی دارد. وی «خود» را محصول اجتماع می‌داند که از خلال اخذ دیدگاه‌های دیگر شکل می‌گیرد. نظریه پرداز دیگر این حوزه

۱. «شهربانو مرکزی زنانه است که سعی دارد نیازهای فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی و ... زن مسلمان محجبه ایرانی را در یک محیط امن و سالم برآورده کند» (دستورالعمل اجرایی مراکز شهربانو، ۱۳۹۰). این مجموعه‌ها دارای کافی‌شاپ، کافی‌نت، پیرایش و گریم، ماساژدرمانی، کارگاه خوداشتغالی و عروسک‌سازی، سونا و جکوزی، مرکز آموزش، خانه اسباب‌بازی، سالن رزمی، سالن ایروبیک، سالن بدن‌سازی، سالن یوگا، کتابخانه و ... می‌باشد.

2. Self

«کولی» است. وی به وجود «خود گروهی» معترف است و هویت را چندگانه دانسته و بیان می‌دارد: «هویت یا همان جنبه اجتماعی خود، در تجربه اجتماعی و جدل تاریخی، به صورت تدریجی، مستمر و فرآیندی شکل می‌گیرد» (کوزر ۱۳۶۷، ۴۶۵).

«گیدنز» در توضیح مفاهیم فوق از مفهوم هویت بازاندیشی^۱ و انتخاب‌گر استفاده می‌کند. به نظر وی بازاندیشی، ویژگی هر گونه کنش انسانی است و بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات اصلاح می‌گردند و بدین سان خصلت‌شان را به گونه‌ای اساسی دگرگون می‌سازند (گیدنز ۱۳۷۸، ۴۷). به نظر وی هویت شخصی را نمی‌توان بر حسب ماندگاری در زمان مورد توجه قرار داد، بلکه هویت همواره در معرض «آگاهی بازتابی» است. در این دیدگاه، هویت چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های خود مورد حمایت قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان «خود» است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌اش می‌پذیرد. هویت، یعنی «تداوم فرد در زمان» و بازتاب تعبیری که شخص از این تداوم دارد. به نظر وی، فرد در دوران مدرن به پالایش و انتخاب انواع اطلاعات مرتبط می‌پردازد که این نوع منش، با رفتار از پیش تعیین شده افراد کاملاً متفاوت است. چنین تصویری در نظر «گیدنز» به «مدل چینه‌ای» معروف است. وی همچنین اصطلاح دیگری را تحت عنوان «نظام امنیت هستی‌شناسی» مطرح می‌کند. به این معنا که نیروی اساسی اغلب کنش‌ها در جامعه جدید، مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است. به نظر وی، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکت کنش، نیاز به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) به منظور کاهش میزان اضطراب خود در روابط اجتماعی است. وی معتقد است که نظام امنیت هستی‌شناسی باید در زمان، استمرار پیدا کند و عوامل استمرار آن عبارت‌اند از: «عادی شدن تماس‌ها با دیگران»، «تفسیر موفقیت آمیز از کنش‌ها» و «توانایی عقلانی کردن امور»؛ به این معنا که افراد اعمال خود را نزد دیگران موجه جلوه دهند و با تفسیر موفقیت آمیز فرد از کنش خود، تعداد کنش‌های موفق و انگیزه فرد برای کنش‌های بعدی بر اساس هویت اجتماعی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز ۱۳۷۸، ۲۶۱).

1. reflexivity

«مایکل کیمبل»^۱ معتقد است که هویت تصویری است که ما از خودمان و روابطمان با جهان بیرون داریم. گرچه ممکن است که این تصویر با تصویر دیگران از ما کاملاً متفاوت باشد، اما این که چه تصویری از خودمان داشته باشیم، بستگی به تصویری دارد که از جنسیت خود داریم؛ یعنی هویت هر فرد را هویت جنسیتی وی تشکیل می‌دهد. در واقع، وی هویت جنسیتی را به معنای تصور هر کس از معنای مردانگی و زنانگی و وظایف و اختیارات و ویژگی‌هایی که به زن و مرد تعلق می‌گیرد، می‌داند؛ به عبارت دیگر، هویت‌های جنسیتی به شکلی که در فرهنگ‌های گوناگون به زن و مرد القا می‌شوند کمتر با فطرت و طبیعت، و بیشتر با هنجارهای فرهنگی ارتباط دارد و بنابراین، به اجتماع‌پذیری و اجتماعی شدن ربط پیدا می‌کند. در واقع وی هویت جنسیتی را تجلی گوهری درونی به شمار نمی‌آورد، بلکه آن را حاصل شکل‌گیری اجتماعی می‌داند (۱۹۹۷، ۲۰). بنا بر تعریف «سوزان گولومبرک» و «رابین فی‌وش» هویت جنسیتی به معنای برداشت یا تعریفی است که فرد از خود به عنوان یک زن یا یک مرد دارد (گولومبرک و فی‌وش ۱۳۷۸، ۱۲).

پیرامون هویت جنسیتی نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است. به طور کلی این نظریه‌ها شامل دو دسته هستند: دسته نخست، نظریه‌های جامعه‌شناسان است که هویت را ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان می‌دانند و در جریان هویت‌یابی جنسیتی بیشترین تأکید را بر روی فرآیند جامعه‌پذیری دارند. دیدگاه‌های افرادی چون «جنکینز»، «هربرت مید»، «گیدنز»، «روزنبرگ»، «گافمن» و حتی دیدگاه فمینیسم لیبرال از این دسته هستند. دسته دوم، نظریه‌های روان‌شناسان است که در آنها فرآیندهای روانی شخص نقش ضروری در ساخت و پرداخت هویت جنسیتی ایفا می‌کنند. در این زمینه می‌توان از نظریه‌های «فروید»، «اریکسون» و «آلبرت باندورا» نام برد.

به نظر «جنکینز»، «خود» یک هویت اجتماعی اولیه و بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است و جنسیت در نحوه تشکیل «خود» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا به تجربه فرد سامان می‌بخشد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (۱۳۸۱، ۱۰۳). به علاوه، زمینه‌های ساختاری و فرهنگی در شکل‌گیری و تعریف هویت‌های فردی و اجتماعی مؤثرند. در دوران معاصر، تحت تأثیر جریان‌ات‌نوسازی و نوگرایی، تأمل و بازاندیشی

1. Michael kimmel

بیشتری در کنش‌های مرتبط با هویت‌های انسانی صورت می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های مدرن و رده‌بندی‌های مستتر در آنها نیز نقش مؤثری در تحمیل هویت‌های بیرونی ایفا می‌کنند؛ اما افراد هم در تعدیل و مقاومت در برابر تأثیر عوامل ساختاری و فرهنگی و بازسازی هویت‌های فردی و اجتماعی، نقش فعالانه‌ای دارند. بنابراین، از آنجا که هویت‌یابی جریانی تعاملی و دوسویه است، در تحلیل هویت رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و تخصیص آمرانه هویت‌ها به افراد باید مطالعه شود و چگونگی تفسیر افراد و برخورد و مقابله آنان با این رده‌بندی‌ها مورد بررسی قرار گیرد؛ به ویژه مقاومت در برابر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای که غالباً مبتنی بر معیارهای انتسابی مانند جنسیت، سن، قومیت و طبقه اجتماعی است. «این بدان معناست که برخی اعمال و کنش‌ها ذاتاً زنانه و یا متناسب با جنس هستند؛ در حالی که هویت جنسیتی زنانه یعنی الحاق مجموعه‌ای از معانی فرهنگی به جنس مؤنث که برساخته اجتماعی و فرهنگی است و نه مجموعه‌ای از ویژگی‌های ذاتی در زنان یا توقعات طبیعی از آنان (پاینده ۱۳۸۶، ۱۷۷).

گافمن نیز در نظریه تکمیل جنسیت معتقد است: «چنین تصور می‌شود که آدم‌ها رفتاری از خود نشان می‌دهند که نتیجه ساختمان زیست‌شناختی آنها می‌باشد. معمولاً تصور نمی‌شود که آدم‌ها جنسیت‌شان را تکمیل می‌کنند. حال آن‌که برعکس، جنسیت آشکارا یک دستاورد است و آدم‌ها برای آن‌که برخوردار از خاصیت جنسی مذکر و مؤنث جلوه کنند، باید به شیوه‌های معینی صحبت و عمل کنند» (ریتزر ۱۳۷۷، ۳۷۷).

در جوامع سنتی، نقش‌های زنان عمدتاً محدود به خانواده و درونی است و این امر محور اصلی هویت آنها را تشکیل می‌دهد. آنان تفاوت‌های جنسیتی و تبعیض‌ها و هویت‌های فرودست را می‌پذیرند و در مقابل آن، کمتر چون و چرا و مقاومت می‌کنند. اما زنان در جوامع مدرن، به ویژه شهرهای بزرگ، در پی تحولات ساختاری و ضرورت‌های اقتصادی، مشارکت بیشتری در عرصه‌های عمومی دارند و در نتیجه، تعلقات و روابط گروهی آنها وسیع بوده و به منابع فرهنگی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) و منابع مادی (درآمد، دارایی و استقلال مادی) بیشتری دسترسی دارند. از این‌رو، هم در مورد «خود» و هویت شخصی خود و هم در مورد هویت‌های اجتماعی و سنتی تأمل و چون و چرا می‌کنند و گروه‌هایی از آنان فعالانه به مقاومت در برابر هویت‌های تحمیلی می‌پردازند و به بساختن هویت‌های شخصی و اجتماعی به دست خویشتن روی می‌آورند (ساروخانی و رفعت‌جاه ۱۳۸۳، ۷۲).

اکثر مطالب مربوط به طراحی و برنامه‌ریزی شهری بر اهمیت فضای عمومی تأکید می‌کنند؛ جایی که تعامل اجتماعی و تجربه روزمره زندگی شهری در آن روی می‌دهد. به این ترتیب، فضای عمومی را می‌توان به مثابه فضایی تعریف کرد که اجازه می‌دهد مردم به آن دسترسی داشته باشند و فعالیت‌هایی در آن صورت پذیرد. فضایی که یک سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند و این فضا در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می‌شود (مدنی‌پور ۱۳۷۹، ۴۰).

به زعم «آرنت»، «دیویدف»^۱ و همکارانش و نیز «ایکه گامی»^۲، میزان دسترسی برخی از اقشار به عرصه عمومی با دیگر اقشار متفاوت است. به عبارت دیگر، آنان معتقدند که پاره‌ای از گروه‌ها و اقشار اجتماعی، از جمله زنان، به عرصه عمومی دسترسی ندارند (لاندرز^۳ ۱۹۹۸، ۳۸). «دیویدف» و همکارانش بر این باورند که برخی از گروه‌های اجتماعی، از قبیل زنان، راننده‌شدگان از عرصه عمومی هستند و به طور مستقیم به آن دسترسی و مشارکت ندارند؛ اما این بدان معنا نیست که این گروه‌ها بر عرصه عمومی تأثیر نمی‌گذارند. «دیویدف» و همکارانش در این مورد از نظریه «وجود عرصه‌های عمومی جایگزین» حمایت می‌کنند. بر اساس این نظریه، زنان باید به فضاهای خاصی دسترسی داشته باشند که عمدتاً زنانه بوده و از خلال این فضاها روابطی را شکل دهند که با عرصه عمومی اجتماع در تعامل قرار گیرند. به عبارت دیگر، زنان از درون فضاهای زنانه با عرصه عمومی جامعه مرتبط می‌شوند. بر این اساس، «فضا» و «زمان» دو عنصری هستند که به صورت توأمان بر ظهور شکل‌بندی فضایی که روابط در آن سامان می‌یابد، تأثیر می‌گذارند (علیرضائزاد و سرایی ۱۳۸۶، ۱۲۵).

در این میان، احداث و گسترش مجموعه‌های «شهربانو» به عنوان نمونه‌ای از فضاهای شهری مدرن در شهر تهران با فراهم آوردن شرایطی برای گرد هم آمدن زنان در فضایی مشخص و امن، موجب تغییر در هویت جنسیتی گذشته آنها می‌گردد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین علت‌های استقبال فراوان زنان از این مراکز، بازاندیشی در برداشت، نگرش و رفتار زنان نسبت به خودشان، تحت تأثیر تعامل با دیگر زنان در یک فضای امن اجتماعی

1. Davidoff
 2. Ikegami
 3. Landes

است، به نحوی که می‌توان انتظار داشت به تدریج برداشت و فهم زنان از خود، مدرن‌تر و حتی زنانه‌تر گردد؛ این دو جهان، گاه به لحاظ مکانی و گاه به لحاظ جامعه‌شناختی از یکدیگر جدا می‌شوند؛ یعنی هر یک برای خود نظام نمادین ویژه‌ای دارند که مرزهای بین آن دو را جدا می‌کند (برناد ۱۳۸۴، ۲۰). بنابراین، زنان و مردان بیشتر اوقات فراغت و کار را با افراد هم‌جنس خود سپری می‌کنند. آنان در بازی مدرسه، مکان‌های عبادی، محل کار و ... از هنجارها، قواعد رفتاری و انتظارات متفاوتی تبعیت می‌کنند و برای احراز صلاحیت به قواعد و مقررات متفاوتی تن می‌دهند. این دو جهان از نظر قالب‌های رفتاری، فرم‌های بیانی (زبانی)، مکانی و جامعه‌شناختی از یکدیگر متمایز هستند؛ زیرا هر کدام از آنها در قبال دیگری، نظام نمادین خاص خود را جهت حفظ حدود و ثغور خویش داراست (برناد ۱۳۸۴، ۸). در مجموع، با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌توان گفت که بخشی از شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان از طریق تعامل اجتماعی با دیگر زنان هم‌جنس خود صورت می‌گیرد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به روش پیمایش انجام گرفته و جامعه آماری آن را کلیه زنان استفاده‌کننده از مجموعه‌های «شهربانو» در چهار منطقه شهرداری تهران (مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴) در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه نیز برابر با ۲۳۷ نفر برآورد گردیده و شیوه نمونه‌گیری به روش چند مرحله‌ای بوده است.

در تعریف و سنجش مفهوم هویت جنسیتی می‌توان برای آن بُعد اجتماعی (بررسی عقاید و باورهای زنان در ارتباط با حضور اجتماعی، اشتغال، تحصیلات و اوقات فراغت و...)، بُعد خانوادگی (عقاید و باورها در ارتباط با وظایف و موقعیت زنان در خانواده، انتظارات و توقعات از زن در خانواده و میزان برآورد آنها، پذیرش یا مقاومت در برابر کلیشه‌های فرهنگی و...) و بُعد فردی را تصور کرد (سفیری و محمدی ۱۳۸۴، ۱۲۱). با این حال، در این مطالعه صرفاً بُعد فردی هویت جنسیتی زنان مورد توجه قرار گرفته است که به معنای بررسی نحوه تعریف فرد از خود به عنوان یک زن در فضایی زنانه است که حاصل تجربه و احساس وی از تعامل با هم‌جنسان است. بنابراین، شکل‌گیری این هویت جنسیتی مدرن تحت تأثیر ویژگی‌های زمینه‌ای فرد، میزان تعامل اجتماعی با دیگر زنان و چگونگی

بهره‌مندی از انواع خدمات و امکانات مختلف در این مجموعه است. از سویی، وجه بازاندیشانه این نوع هویت بیشتر دربرگیرنده این امر است که داشتن چنین تعامل اجتماعی زنانه در فضایی مشخص، موجب تغییر در هویت آنها می‌شود. پس انتظار می‌رود که زنان با بهره‌مندی از این نوع فضاهای شهری نوین، هویت جنسیتی خود را مورد بازاندیشی قرار دهند. برای دستیابی به اعتبار مفهوم هویت جنسیتی از اعتبار صوری و سازه و برای کسب پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است، به نحوی که نتایج حاصل در سطح مطلوبی قرار دارد ($\text{Alpha}=0/72$).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سیمای پاسخگویان

یافته‌های به دست آمده پیرامون وضعیت مراکز مورد مطالعه، بیان‌گر آن است که ۲۱ درصد افراد نمونه از منطقه یک (۴۹ نفر)، ۲۸ درصد از منطقه دو (۶۷ نفر)، ۲۷ درصد از منطقه هشت (۶۵ نفر) و ۲۴ درصد از منطقه چهارده (۵۶ نفر) هستند. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان استفاده‌کننده از مجموعه شهربانو (۶۳/۵ درصد) متأهل، حدود ۳۰/۵ درصد مجرد و نیز ۶ درصد از افراد، مطلقه یا دارای همسر فوت‌شده بوده‌اند. طبق نتایج به دست آمده میانگین سن افراد حدود ۳۳ سال است. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم (۴۲ درصد) و لیسانس‌اند (۲۹ درصد). نتایج در خصوص وضعیت اشتغال مراجعان نشان می‌دهد که حدود یک‌پنجم از آنها شاغل (۲۰/۵ درصد)، (۱۷/۵ درصد) دانشجو یا محصل، حدود نیمی (۴۹ درصد) خانه‌دار، (۸/۵ درصد) بیکار و (۴ درصد) بازنشسته‌اند. در مجموع می‌توان گفت که زنان خانه‌دار دارای تحصیلات دیپلم جزء بیشترین مراجعان این مراکز به حساب می‌آیند.

۴-۲. وضعیت استفاده مراجعان از برنامه‌ها و خدمات مجموعه «شهربانو»

در این مطالعه از زنان مراجعه‌کننده پرسیده شده که «در مدتی که عضو مجموعه شهربانو بوده‌اید از کدام یک از برنامه‌ها و خدمات بیشتر استفاده کرده‌اید؟». بررسی‌ها نشان می‌دهد که بدن‌سازی، ایروبیک، کلاس‌های کامپیوتر و زبان از عمده‌ترین برنامه‌ها و فعالیت‌های مورد استفاده هستند. در ادامه جواب‌های حاصل از سؤال قبلی پیرامون برنامه‌های مورد

استفاده، دلایل آن پرسیده شد. تحلیل کیفی اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ۲۴ درصد زنان (۱۱۴ نفر) به «داشتن علاقه و تمایل» و ۲۱ درصد (۹۶ نفر) به موضوع «تناسب اندام» اشاره کرده‌اند که می‌توان ویژگی نخست را «گرایش جنسیتی زنانه» و ویژگی دوم را «ویژگی‌های جنسی زنانه» دانست. حتی دو دلیل بعدی، یعنی «افزایش یادگیری و مهارت» و «سلامت جسمی» نیز در این دو مقوله جای می‌گیرند. پس می‌توان اذعان داشت که توجه به هنجارهای جنسیتی و رفتارهای جنسی تبیین‌گر مراجعه زنان به این مجموعه‌ها است.

۳-۴. نگرش نسبت به تفکیک فضاهای زنانه

یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۹/۵ درصد زنان معتقدند که در استفاده از وسایل نقلیه عمومی، مانند مترو و اتوبوس، بهتر است زنان از مردان جدا نباشد (۲۵/۵ درصد تا حدودی و ۵۵ درصد در حد زیاد). همچنین، حدود ۶۰ درصد در استفاده از فضاهای تفریحی مانند پارک، شهر بازی و سینما (۲۴ درصد تا حدودی و ۱۶ درصد زیاد)، حدود ۵۵ درصد در استفاده از فضاهای آموزشی مانند دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها (۵۲ درصد تا حدودی و ۲۰ درصد زیاد) و حدود ۷۴ درصد در استفاده از فضاهای رفاهی مانند رستوران‌ها و فروشگاه‌ها (۱۶ درصد تا حدودی و ۱۰ درصد در حد زیاد) به این جدایی اعتقاد ندارند. بنابراین، می‌توان مشاهده نمود که در فضا و موقعیت‌هایی که سازمان‌ها و نهادهای رسمی و اجتماعی کنترل و نظارت کمتری دارند و نیز اعضای خانواده با همدیگر کمتر حضور دارند، می‌توان شاهد نظراتی مبنی بر جدا کردن زنان از مردان بود (مانند مترو، اتوبوس و...)، ولی در هر مکان اجتماعی که یک سازمان به عنوان متولی وجود داشته باشد و قابل کنترل هم باشد این تفکیک مطلوب نیست (غیاثوند ۱۳۹۱، ۱۵۰).

۴-۴. وضعیت هویت جنسیتی زنان

با توجه به میزان استقبال فراوان زنان از مجموعه‌های شهربانو، این سؤال پرسیده شد که «در استفاده از مجموعه شهربانو در مقایسه با سایر مراکز، کدام یک از ویژگی‌های زیر برای تان خیلی مهم و کدام یک چندان مهم به نظر نمی‌رسد؟». بررسی‌ها نشان می‌دهد که مواردی از قبیل «احساس امنیت در محیط» با میانگین ۴/۶۳، «برخورد محترمانه افراد با یکدیگر» با میانگین ۴/۵۱ و «مزاحم نبودن مردان در محیط» با میانگین ۴/۴۳ از مهم‌ترین ویژگی‌های این فضاها هستند.

جدول شماره ۱: توزیع نظرات پاسخگویان بر حسب معرف‌های هویت‌یابی جنسیتی

رتبه اهمیت	جمع	خیلی مهم است	مهم	تاحدودی	کم‌اهمیت	اصلاً مهم نیست	ویژگی‌ها
۱	۱۰۰	۶۶	۳۲	۲	-	-	احساس امنیت در محیط
۲	۱۰۰	۵۳	۴۵/۵	۱	-	۰/۵	برخورد محترمانه افراد با یکدیگر
۳	۱۰۰	۵۸	۳۳	۵	۳	۱	مزاحم نبودن مردان در محیط
۴	۱۰۰	۴۵	۵۰	۳	۲	-	توجه به سلامتی جسمی و روحی خود
۵	۱۰۰	۴۰	۵۶	۳	۰/۵	۰/۵	احساس شادی و نشاط در محیط
۶	۱۰۰	۴۵	۴۵	۶	۳	۱	داشتن پوشش آزاد و راحت در محیط
۷	۱۰۰	۴۵	۴۴	۷	۳	۱	توجه به تناسب اندام و زیبایی بدن
۸	۱۰۰	۳۸	۵۱	۸	۲	۱	توجه به تفریح و علائق شخصی خود
۹	۱۰۰	۳۴	۵۳/۵	۱۰	۲	۰/۵	صرف کردن وقت بیشتر برای خود
۱۰	۱۰۰	۳۰	۵۷	۹	۲	۲	راحت بودن در خندیدن و حرف زدن
۱۱	۱۰۰	۳۱	۵۳	۱۱	۵	-	احساس رضایت از زن بودن در محیط
۱۲	۱۰۰	۱۸	۵۲	۱۷	۹	۳	پیدا کردن دوستان جدید
۱۳	۱۰۰	۲۴	۴۳/۵	۱۱	۱۴	۷/۵	دولتی و متعلق بودن به شهرداری

۴-۵. آزمون تحلیل عاملی هویت‌یابی جنسیتی زنان

در ادامه از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کرده‌ایم تا بتوان ابعاد مختلف مفهوم هویت‌یابی جنسیتی را از هم تفکیک و مورد تحلیل قرار داد. در این خصوص نتایج اولین آماره تحلیل عاملی با عنوان کیزر مایر برابر با $KMO=0/74$ می‌باشد که دلالت بر تأیید تحلیل عاملی دارد. آماره بارتلت مناسب بودن داده‌ها را برای تحلیل عامل نشان می‌دهد. نتایج آن برابر با $BT=349$ می‌باشد و سطح معناداری به دست آمده مطلوب است ($Sig=0/000$). پس بین متغیرها همبستگی لازم وجود دارد. در این تحلیل جهت گزینش تعداد عامل‌ها از مقدار ویژه^۱ کمک گرفته شده است. از این رو، در مجموع با استفاده از چرخش متعامد از نوع وریماکس سه عامل استخراج شده است که عبارت‌اند از «مدیریت بدن»، «نمایش جنسیت» و «احساس امنیت» که بیشترین میانگین مربوط به دو عامل نخست هستند.

1. Eigen value

جدول شماره ۲: نتایج آزمون تحلیل عامل اکتشافی درباره ابعاد هویت‌یابی جنسیتی

عوامل	ویژگی‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
مدیریت بدن میانگین = ۴/۲۶	توجه به سلامتی جسمی و روحی خود	۰/۶۵۳		
	صرف کردن وقت بیشتر برای خود	۰/۵۱۰		
	توجه به تفریح و علائق شخصی خود	۰/۵۰۰		
	توجه به تناسب اندام و زیبایی بدن	۰/۴۰۶		
نمایش جنسیت میانگین = ۴/۲۶	احساس شادی و نشاط در محیط		۰/۵۴۷	
	احساس رضایت از زن بودن در محیط		۰/۵۱۷	
	راحت بودن در خندیدن و حرف زدن		۰/۴۸۳	
	مزاحم نبودن مردان در محیط		۰/۴۴۳	
	داشتن پوشش آزاد و راحت در محیط		۰/۳۹۴	
احساس امنیت میانگین = ۴/۲۱	احساس امنیت در محیط			۰/۸۲۱
	دولتی و متعلق بودن فضا به شهرداری			۰/۱۲۶
ضریب تبیین	درصد واریانس تبیین شده	۱۳	۱۲	۶
	درصد تراکمی واریانس تبیین شده	۱۳	۲۵	۳۱

۴-۵-۱. مدیریت بدن در بین زنان

بدن را می‌توان جایگاه ابراز و نمایش «خود» دانست و شیوه‌های مدیریت و کنترل بدن را روشی برای به نمایش گذاشتن خود در جهت بیان هویت فردی قلمداد کرد. در واقع توجه به مدیریت بدن به عنوان یک کنش و رفتار زنانه در بین مراجعان، حاصل تعامل فرد با دیگران اجتماعی - عمدتاً دوستان و سایر زنان مراجعه کننده به مجموعه‌های شهربانو - است، به نحوی که فرد سعی می‌کند بین دو مقوله «بدن ذهنی» و «بدن اجتماعی» خود پیوند برقرار نماید. به عبارتی، زنان با توجه به حساسیت‌شان به داشتن ظاهری مناسب و ایده‌آل و کمتر از سن و سال‌شان، همیشه در صدد آنند که بدن خود را جوان‌تر، شاداب‌تر و به‌روزتر جلوه دهند تا آن را به بدن ایده‌آل خود نزدیک سازند. در واقع، می‌خواهند بدن جسمانی و بیرونی خود را با «بدن ذهنی» و خیالی که عمدتاً جوان‌تر است، همراه نمایند. قرار گرفتن زنان در این محیط زنانه موجب گردیده که علاوه بر صورت، کل بدن و حتی پوشش بدن خود را نمایش داده و به پرورش و دستکاری آن اقدام نمایند. در واقع، زنان شهر تهران با مراجعه به این مراکز به لحاظ جسمی و پوشش ظاهری به دنبال هویت‌یابی مدرن خود هستند و توجه به سلامتی و مدیریت بدن نیز اهمیت بیشتری

برای‌شان پیدا کرده است. تعداد فراوان شرکت دختران و زنان در بهره‌مندی از کلاس‌های ورزشی مجموعه، مانند ایروبیک، بدن‌سازی، پیلاتس و ... حکایت از این امر دارد. دیگر بررسی‌های به دست آمده در این باره نشان می‌دهد که در بین زنان استفاده از «کلاس‌های شنا» (به طور کلی استخر و سونا و جکوزی) با نسبت بالایی بیش از دیگر دوره‌ها مورد اقبال می‌باشد (۶۸ نفر برابر با ۳۸ درصد).

۴-۵-۲. نمایش جنسیت در بین زنان

در بُعد نمایش جنسیت می‌توان گفت که زنانه‌بودن فضا موجب گردیده که در این مکان‌ها «نمایش جنسیت زنان» به اوج بروز و جلوه‌گری برسد؛ به عبارتی زنان در این محیط احساس زن بودن خود را با هم‌جنسان و با فراق‌بال بیشتر تجربه می‌کنند. در واقع فضای این محیط، زنان را رؤیت‌پذیر می‌کند تا بتوانند عرض اندام نموده و به رفتارهای زنانگی بیشتر پردازند.

به لحاظ جامعه‌شناختی این رؤیت‌پذیری و نمایش در جامعه شهری عنصر مهمی به حساب می‌آید؛ زیرا حتی در برخی از خانواده‌ها - به خاطر ترکیب و کیفیت روابط اعضای خانواده - مجال آن برای زنان فراهم نیست. اینجاست که یک زن در جمع و گروه زنان احساس هویت بیشتری می‌کند تا ارزش‌ها و ویژگی‌های زنانگی را که به لحاظ رفتاری می‌یابد، بروز دهد و یا حتی یاد بگیرد. در واقع، این بُعد از هویت زنان در ارتباط متقابل با هم‌جنسان خود، از طریق هنجارها و ارزش‌های نوین و مدرن، بیشتر مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. جالب است بدانیم که کنش متقابل زنان به خاطر فضای تک‌جنسیتی شده «برابر - برابر» است؛ در صورتی که رفتار متقابل زنان با مردان در فضای مختلط، تداعی‌گر رابطه «فرا دست - فرودست» است و بدین خاطر زنان در این نوع فضاها احساس راحتی و آزادی بهتری می‌کنند.

«گافمن» در رویکرد نظری و تحلیلی خود پیرامون «نمایش جنسیت»^۱، شکل‌گیری جنسیت را به منزله اجرای «مناسکی» در نظر می‌گیرد که افراد آنها را در کنش‌های متقابل خود با دیگران به نمایش می‌گذارد (گافمن ۱۹۷۹، به نقل از سلطانی ۱۳۸۵، ۶۵). همچنین، وی در قالب رویکرد «تحلیل چارچوب» به این مسئله می‌پردازد که «چگونه چارچوب‌هایی که کنش متقابل را سامان می‌دهند معنای جنسیت را تولید می‌کنند؟» و استدلال می‌ورزد که سامان کنش

متقابل به جای مهیا کردن بستری برای بیان تفاوت‌های طبیعی، تفاوت‌های میان دو جنس را به وجود می‌آورد. «گافمن» برخلاف اغلب رویکردهای نظری، الگوهای نابرابری جنسیتی را به طور مستقیم به دست‌یابی ناهمسان به پاداش‌های اجتماعی مربوط نمی‌سازد، بلکه آن را بیشتر بر اساس فرضیه‌های تحلیلی در چارچوب کنش‌های متقابل دو جنس توضیح می‌دهد. او به جای استناد به واقعیت‌های نابرابری - از قبیل تفاوت در حقوق و فرصت‌های ارتقاء و غیره - این مسئله را بررسی می‌کند که چگونه زنان و مردان کنش متقابل میان خود را تفسیر می‌کنند و جنسیت در موقعیت‌های اجتماعی از طریق آنچه گافمن آن را «نمایش» می‌نامد، بیان می‌شود (میننگ ۱۳۸۰، ۱۰۴-۱۰۵). بر اساس این معنا، جنسیت رمزی بنیادین است که در انطباق با کنش متقابل اجتماعی و ساختار اجتماعی ساخته می‌شود (گافمن ۱۹۹۷، ۲۰۱)؛ رمزی که ما را با هویت شخصی و اجتماعی خود آشنا می‌کند. زنان و مردان از طریق رمزگان جنسیت با یکدیگر رویاروی می‌شوند و هویت‌های جنسیتی همدیگر را باز می‌شناسند. از این نظر رمزگان جنسیت به عنوان یک عنصر اساسی برای آگاهی بخشی متقابل در موقعیت‌های اجتماعی عمل می‌کند (سلطانی ۱۳۸۵، ۶۲). در واقع، طبق نظریه اکتساب وضعیتی گافمن، جنسیت اکتسابی است و آدم‌ها برای آن که مؤنث و مذکر جلوه کنند، باید به شیوه‌های معینی صحبت و عمل کنند (ریتزر ۱۳۷۷، ۳۷۷).

۳-۵-۴. افزایش احساس امنیت در بین زنان

توجه به احساس امنیت به عنوان بُعد دیگری از هویت، بیان‌گر آن است که در جامعه ما وضعیت رفتار متقابل بین زنان و مردان در فضاهای شهری عمومی با فضاهای شهری منفک شده متفاوت است؛ به عبارتی، عرصه عمومی جامعه بر روابط قدرت مردان متکی بوده و فضاهای عمومی شهری عمدتاً مردانه ساخته شده و اداره می‌شوند. بر این اساس، عدم امنیت زنان در فضاهای شهری مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی فرد، بر ساختار خانواده‌ها و در نهایت بر جامعه تأثیرگذار خواهد بود.

«گیدنز» نیز همانند «زیمل»، «دور کیم»، «هالباکس» و «پارتو» به نقش محیط‌های زمانی - مکانی در ایجاد امنیت اشاره کرده و معتقد است که انجام تعامل یکنواخت درون محیط‌های زمانی - مکانی برای ایجاد «حس امنیت هستی‌شناختی» ضروری و با اهمیت است. اصطلاح «امنیت هستی‌شناختی» بدان معناست که ما در بسیاری از ابعاد زندگی مجبور نیستیم که چندان درباره کارهایی که انجام می‌دهیم یا چگونگی انجام دادن آنها

فکر کنیم (افروغ ۱۳۷۷، ۲۲۵). در واقع در یک فضای امن و راحت، مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و این فضا قابلیت اجتماعی شدن خواهد داشت. برخی از صاحب نظران از فضای امن به عنوان «فضای قابل دفاع» یاد می کنند که در واقع فضایی است که اشخاص بیشتر در آن فعالیت می کنند، احساس امنیت بیشتری از آن درک می شود و به فعالیت های مجرمانه کمتر اجازه وقوع داده می شود (www.dacorum.gov.uk. 2004).

بنابراین، تفکیک فضا و اجتماع به عرصه های عمومی و خصوصی بر حالت روحی افراد تأثیر می گذارد، به رفتار آنان نظم می بخشد و بر دوام ساختار جوامع بشری و فضاهایی که این جوامع را در اختیار خود می گیرند، می افزاید.

در جوامع امروزی عوامل متعددی که شاید مهم ترین آنها «احساس ناامنی در فضاهای شهری» باشد، حضور زنان در فضاهای عمومی را محدود می کند. امروزه در شهرها زنان در ترس دائمی از ناامنی به سر می برند و دو برابر مردان آسیب پذیرند. آنها ممکن است از این که شب به تنهایی در محیط خارج از منزل، حتی در خیابان های شلوغ، قرار بگیرند بیمناک باشند و این ترس در بسیاری از مکان های عمومی نیز گریبان گیر زنان است. آنها در برابر احساس ناامنی واکنش های مختلفی از خود بروز می دهند؛ عده ای از رفت و آمد با پای پیاده خودداری می کنند و حتی از تفریحاتی چون پیاده روی نیز محروم می شوند؛ برای مثال، ۵۶ درصد از شهروندان زن کانادایی بعد از تاریک شدن هوا جرأت پیاده روی حتی در محله های خود را ندارند و این در حالی است که بین مردان تنها ۱۸ درصد در چنین موقعیت هایی احساس ناامنی می کنند. تحقیقات در برخی از شهرهای ایالات متحده نشان داد که زنان هشت برابر بیشتر از مردان پیاده روی های تنهایی خود را از ترس عدم امنیت محدود می کنند و تقریباً سیزده برابر بیش از مردان از رفتن به فروشگاه ها و نظایر آن پس از تاریک شدن هوا پرهیز می نمایند. همچنین، طبق نتایج به دست آمده از مطالعات در سه منطقه شهر تهران، ۴۱/۳ درصد از پاسخگویان زن میزان ترس و محدودیت خود را از فضاهای عمومی در هنگام شب زیاد و بسیار زیاد اعلام کرده اند. به طور کلی امکان تفاوت استفاده از فضا در شب، بین زنان و مردان معنادار است.

۵. نتیجه گیری

امروزه شهر به عنوان بستر و تجلی گاه ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، محل بروز فضایی خاص با ویژگی ها و خصوصیات خود است. از این حیث یک ارتباط دوجانبه میان جامعه

و فضای ساخته شده وجود دارد؛ زیرا از یک سو اجتماع انسانی به فضا شکل داده و فضا را با خود متناسب می‌سازد و از دیگر سو، ویژگی‌های یک فضا کیفیات احساسی - ادراکی خاصی را در اختیار بهره‌برداران آن قرار می‌دهد.

در جامعه شهری مدرن مسئله هویت‌یابی زنانه از طریق فضای عمومی امری پذیرفتنی است. یکی از راه‌هایی که موجب شده زنان نیز پا به پای مردان در حوزه‌های عمومی شهری حضور یابند، جداسازی جنسیتی برخی از فضاهای عمومی است که اتفاقاً موجب استقبال بسیاری از آنها قرار گرفته است. بنابراین، احداث و توسعه مجموعه‌های «شهربانو» در این قالب مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است. در واقع، تفکیک فضا و اجتماع به عرصه‌های عمومی و خصوصی، بر حالت روحی افراد تأثیر می‌گذارد، به رفتار آنان نظم می‌بخشد و بر دوام ساختار جوامع بشری و فضاهایی که این جوامع را در اختیار خود می‌گیرند، می‌افزاید. از این حیث، همان‌طور که بیان شد، یکی از کارکردهای مجموعه‌های «شهربانو» هویت‌یابی جنسیتی زنان استفاده‌کننده از این مراکز است. طبق بررسی‌های به عمل آمده، عمده‌ترین کارکرد و اهمیت بهره‌مندی از فضاهای جنسیتی شده شهربانو «مدیریت بدن»، «نمایش جنسیت» و «افزایش احساس امنیت» است.

بازتابی بودن هویت در دوره اخیر مدرنیته و کنترل شکل‌های هویت، مترادف با دل‌بستگی به تنظیم یا کنترل بدن به مثابه حامل خویش خواهد بود و روش‌های کنترل و مدیریت بدن، به عنوان روش‌های تشخیص تفاوت‌ها میان شیوه‌های زندگی، به صورت فزاینده اهمیت و مرکزیت می‌یابند؛ پس تنظیم یا انضباط بدن / خود و یا به بیان «ترنر» (بدن / خود به منزله پروژه)، به این معناست که مسائل و موضوعات کلی‌تر مربوط به بازآفرینی خویشتن، حداقل تا حدی، از طریق دست‌کاری و دخل و تصرف در بدن به مثابه ابزار انتقال یا وسیله ابراز علائق و شیوه زندگی صورت می‌گیرد، و لذا هویت فردی و جمعی به حد ظهور می‌رسد (آزاد ارمکی و چاوشیان ۱۳۸۱، ۵۹-۶۰).

در واقع، ساخت و توسعه مجموعه‌های «شهربانو» از منظر کارکردی منجر به اجتماعی‌شدن جنسیتی و نمایش بهتر بدن و پوشش مدرن زنان می‌گردد. در واقع، زنان شهر تهران با مراجعه به این مراکز، به لحاظ جسمی و پوشش ظاهری به دنبال مدرن‌شدن خود هستند. در مقوله دوم، استفاده زنان از کلاس‌ها و شرکت در برنامه‌های جمعی مختلف باعث می‌شود که بدن‌شان را تحت فشار اجتماعی و مقایسه با سایر زنان شرکت‌کننده،

تبدیل به «بدن اجتماعی» و مورد پسند و حتی بدن جهانی شده کنند. همچنین، داشتن احساس امنیت در این مراکز بازتاب فضای عمومی مردانه است. «باربارا دی آنجلس» در کتاب «رازهایی درباره زنان»، بعد از بررسی یافته‌های علمی حاصل از سمینارها، مصاحبه‌ها، پرسش‌نامه‌ها و مشاوره‌ها، بیان می‌دارد که سه نیاز پنهان زن‌ها عبارت‌اند از: ۱) زن‌ها نیاز دارند احساس امنیت کنند؛ ۲) زن‌ها نیاز دارند احساس پیوند و ارتباط کنند؛ ۳) زن‌ها نیاز دارند به آنها احترام گذاشته شود (دی آنجلس ۱۳۸۳، ۱۶۱).

به طور کلی، مجموعه‌های «شهربانو» به عنوان فضاهای شهری مدرن، جزء فضاهای جنسیتی شده‌اند که مفهوم عمومی و اجتماعی از آنها زدوده شده است، ولی دارای کارکردهایی چون توجه به «مدیریت بدن»، «نمایش جنسیت» و «افزایش احساس امنیت در بین زنان» هستند که در نهایت منجر به هویت‌یابی جنسیتی زنان می‌گردد. البته به لحاظ جامعه‌شناختی نباید از آثار و پیامدهای دامن زدن به ساخت و توسعه چنین فضاهای جنسیتی شده‌ای غافل بود؛ زیرا در آینده منجر به عمومی شدن فضاهای شهری مدرن خواهد شد. در واقع، کارکرد پنهان احداث و توسعه چنین فضاهایی را باید زمینه‌ای برای حضور زنان در جامعه دانست. زنان به این خاطر از آنها استقبال می‌کنند. علاوه بر این، محیط‌های مذکور تسهیلات خاصی را برای گذران و بهبود اوقات فراغت در اختیار آنها قرار می‌دهند و موجب افزایش فعالیت‌های اجتماعی آنها می‌گردند (مانند حضور زنان در بوستان‌های شهری، مراکز خرید، اتوبان‌های شهری و ...). پس فتح فضاهای شهری مدرن، در کنار هویت‌یابی جنسیتی نوین، حاصل حضور هماهنگ زنان در عرصه اجتماع است؛ پدیده‌ای که بسیاری از تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران را رقم خواهد زد.

فهرست منابع

الف) کتابها

۱. برناد، جسی. ۱۳۸۴. *دنیای زنان*، ترجمه شهرزاد ذوفن. تهران: نشر اختران.
۲. پاینده، حسین. ۱۳۸۶. *نقد ادبی دموکراسی*. تهران: نیلوفر.
۳. جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۱. *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۴. دی آنجلس، باربارا. ۱۳۸۳. *رازهایی درباره زنان که هر مردی باید آنها را بداند*. ترجمه هادی ابراهیمی. تهران: نسل نو اندیش.
۵. ریتزر، جورج. ۱۳۷۷. *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۶. کوزر، لوئیس. ۱۳۶۷. *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۷. گولومبرک، سوزان، و رابین فی‌وش. ۱۳۷۸. *رشد جنسیت*، ترجمه مهراناز شرآرای. تهران: نشر ققنوس.
۸. گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرنیته*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۹. مدنی‌پور، علی. ۱۳۷۹. *طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی - مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۰. میننگ، فلیپ. ۱۳۸۰. *اروینگ گافمن و جامعه‌شناسی نوین*. ترجمه ثریا کامکار، تهران: کامیار.
11. Goffman, E. 1979. *Gender Advertisement*. London: Macmillan.
12. Kimmel, Michael. 1997. *the Gender Society*. Oxford: Oxford University Press.
13. Landes, Joan B. 1998. *Feminism, the Public and Private*. New York: Oxford University Press.

ب) مقالات

۱. آزاد ارمکی، تقی، و حسن چاوشیان. ۱۳۸۱. بدن به مثابه رسانه هویت. *مجله جامعه‌شناسی ایران* ۱۴ (۴): ۵۷-۷۵.
۲. تمدن، رویا. ۱۳۸۷. زنان و فضاهای شهری، *مجله جستارهای شهرسازی* ۲۴-۲۵ (۱): ۲۰-۲۳.
۳. سفیری، خدیجه، و سیده عقیده محمدی. ۱۳۸۴. هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟ *مجله علوم اجتماعی* ۲ (۱): ۱۰۷-۱۳۹.

۴. سلطانی گردفرامرز، مهدی. ۱۳۸۵. نمایش جنسیت در سینمای ایران. مجله پژوهش زنان ۱۴ (۱): ۶۱-۹۲.

۵. علیرضانژاد، سهیلا و حسن سرایی. ۱۳۸۶. زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهاى عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن، مجله نامه علوم اجتماعی ۳۰ (۱): ۱۲۳-۱۴۹.

۶. ساروخانی، باقر، رفعت‌جاه، مریم. ۱۳۸۳ «عوامل جامعه‌شناختی- مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، ۲ (۱): ۷۱-۹۱.

6. Ikegami, Eiko. 2000. A sociological Theory of publics: Identity and culture as emergent properties in networks. *Social research*. Winter

ج) طرح‌های پژوهشی

۱. غیاثوند، احمد. ۱۳۹۱. بررسی ارزیابی تأثیر اجتماعی پروژه مجموعه شهریانو. طرح پژوهشی. شهرداری منطقه هفت تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی.

د) سایت‌ها

1. www.dacorum.gov.uk.2004.